زن، انتظار، ظهور(2)

سيّده ارغوان حيدرى

سيماى زن منتظر

در خصوص ويژگى‏هاى زن مسلمان منتظر كمتر بحث شده است و در كتب مربوط به انتظار از زن و نقش وى سخن كمترى به ميان آمده است. در اين قسمت، سعى داريم به وظايف يك زن منتظر و نقش وى در زمينه سازى ظهور بپردازيم.

ابتدا در معرفى زن منتظر بايد گفت كه زن منتظر همان زن مسلمان و با ايمانى است كه حقيقت اسلام را به خوبى دريافته است و با جان و دل دستورات آن را فرا گرفته و به آن‏ها عمل نموده است. زن منتظر، بانويى است كه ويژگى‏هاى يك زن مسلمان متدين و عفيف را داراست و در عين حال، با تمام وجود، با معرفت و اعتقاد كامل، انتظار فرج را دارد. زن منتظر براى تحقق امر ظهور بايد تحولى اساسى در فرهنگ بوجود آورد و با رشد ايمان و معنويت در خود، تبليغات مسموم طاغوتيان را خنثى نمايد، تا افتخار و لياقت پرچمدارى و ياريگرى امام عصر (عليه‏السلام) را پيدا كند؛ چرا كه تحول و انقلاب عظيم مهدوى جز با همكارى زنان صورت نخواهد پذيرفت.

زن مسلمان، در مقام انتظار، بايد با ارائه الگوى برتر از يك زن كامل، ارشادگر ساير زنان گردد، تا دنيا شاهد قدرت عظيم فرهنگى و دينى زنان باشد و همگان بدانند همچنان كه زنانى در سقوط پرچمدار هبوط نفس انسانى‏اند، در معنويت نيز بانوانى مؤمن و با استقامت پاسدارى از دين را به عهده داشته و با پرورش فرزندانى كه ياور انقلاب مهدوى‏اند، زمينه را براى تحولى بزرگ و جهانى فراهم مى‏آورند.

لذا زن منتظر با خودسازى و تهذيب نفس، به تربيت فرزندان خود همت مى‏گمارد و با تفهيم فرهنگ انتظار به آنان، آگاهى‏هاى لازم در خصوص انتظار و ظهور حضرت حجّت(عليه‏السلام) را به ايشان مى‏آموزد تا ياورانى پاك و شجاع براى يارى بقيةالله الأعظم(عليه‏السلام) بپروراند.

همچنين زن با ايمان و منتظر با پيشه ساختن عفت و حجاب، ضمن تأمين سلامت جامعه سعى مى‏كند به چنان درجه‏اى از تعالى و تكامل نايل آيد كه افتخار منتظر حقيقى بودن را داشته باشد و با اثبات اين مطلب كه با اتصال به راه ولايت و با پيروى از فاطمه زهرا كه خود تجسم عينى عفت و حجاب بود، به خود باورى و تعهد رسيده، و با انتخاب ظاهرى پاك و معنوى علاوه بر باطنى مطهر و روحانى، بسان سربازى وفادار و متعهد، آمادگى خويش را در جهت شركت در انقلاب عظيم مهدوى اعلام مى‏نمايد. علاوه بر آن، زن منتظر در صحنه عمل، به اوامر الهى، به ديگر سازى نيز مى‏پردازد.

لذا در عصر كنونى، كه هر روز شاهد تبليغ فرهنگ نادرست غرب در جوامع اسلامى هستيم و شاهد زنانى بدحجاب با قيافه‏اى بزك كرده كه آگاهانه يا از روى نادانى، به ترويج و اشاعه فرهنگ مبتذل و منحط بيگانه مى‏پردازند و در ملأعام ظاهر گشته و جوانان را به سوى پرتگاه‏هاى سقوط و تباهى مى‏كشند،بر زنان مؤمن منتظر است كه با پرداختن به امر به معروف و نهى از منكر از فساد جامعه جلوگيرى نمايند.

زنان فرزانه و انديشمند جامعه اسلامى بايد با ترويج و تبليغ هر چه بيشتر دين، خودباورى و معنويت را در بين ساير زنان تقويت نمايند و به آنان تفهيم كنند، كه مادامى كه قلب و روح را از انواع گناهان پاك نسازند و ظاهر خويش را نيز مطابق به فرامين الهى درست ننمايند، لياقت يارى‏گرى و عنايت حضرت ولى عصر(عج) از ايشان سلب خواهد شد و هر روز بلكه هر لحظه بر فاصله آنان با جان عالم خلقت، مهدى موعود(عج)، افزوده خواهد شد. لذا دست يافتن به فيض عظيم ياورى و ديدار روى دوست، تهذيب نفس و خود سازى و ديگر سازى مى‏طلبد.

زن قبل از ظهور

در دنيايى كه هر روز بسوى ترقى گام بر داشته و زندگى ماشينى روح و جان انسان‏ها را تسخير كرده است، مسائل سياسى، اجتماعى، اقتصادى نيز رنگ و بوى تازه‏اى به خود مى‏گيرد و جهان به سوى آخرالزمان پيش مى‏رود. زنان كه نيمى از جامعه بشرى را شامل مى‏شوند، هر روز شاهد تحولى نو، در روابط خود در عرصه‏هاى گوناگون هستند و نقش آنان در سياست، اقتصاد و اجتماع بر كسى پوشيده نيست؛ لذا در اين قسمت، نقش زن را در هر يك از اين امور در آخرالزمان و در نتيجه، در عصر حاضر، بررسى مى‏نماييم.

نقش زنان در حكومت‏هاى قبل از ظهور

يكى از مسائلى كه در حكومت‏هاى آخر الزمان مطرح است، سلطه و نفوذ زنان در امور سياسى مى‏باشد كه اين تسلط را به دو گونه مى‏توان تقسيم نمود:

1- زنان بطور مستقيم بر مردم فرمانروايى كرده و رهبرى يا رياست كشور را به دست مى‏گيرند.

2- زنان با استفاده از نيروى خارق العاده خويش، فرمانروايان و سران كشور را به زير سلطه خود مى‏برند تا آنان طبق نظر و عقيده آن‏ها عمل نمايند.

اخبارى كه از معصومين (عليهم‏السلام) وارد گرديده، بر رشد و تسلط زنان بر امور سياسى و ... در آخر الزمان اشاره دارد.حضرت على (عليه‏السلام) در اين زمينه مى‏فرمايند: «زمانى خواهد آمد كه افراد فاسد و زناكار به ناز و نعمت رسند و انسان‏هاى با انصاف ضعيف مى‏شوند. پرسيدند كه اين دوره چه وقت خواهد بود؟ فرمود: آن گاه كه زنان و كنيزان بر امور مردم مسلط شوند و خردسالان به فرمانروايى رسند.»(1)

همچنين امام صادق (عليه‏السلام) طى حديثى طولانى كه به بيان نشانه‏هاى ظهور پرداخته‏اند، در اين مورد مى‏فرمايند: «... (در آن زمان) زنان بر ملك تسلط مى‏يابند و بر هر امرى استيلا پيدا مى‏كنند، و زنان را مى‏بينى كه بسان مردان، مجالس (كنفرانس) راه مى‏اندازند.»(2)

آرى جهان در آخرالزمان، با رشد بى‏رويه نهضت‏هاى زنانه كه براى اعتراض به پامال شدن حقوقشان صورت مى‏گيرد، روبه رو خواهد شد و در انتها، تاريخ جهان شاهد تجربه‏اى جديد در عالم حكمرانى و سياست خواهد بود. اما مطلب مهمى كه نبايد از نظر دور داشت، اين است كه طبق دسته‏اى از روايات، در آخرالزمان، تعداد مردان كاهش چشمگيرى مى‏يابد و شايد به همين دليل باشد كه زنان در اكثر امور بر مسند قدرت خواهند نشست.

رسول خدا (صلى‏الله‏عليه‏وآله) در اين زمينه مى‏فرمايند: «از نشانه‏هاى آخرالزمان اين است كه براى هر پنجاه زن، يك سرپرست خواهد بود و اين در حالى است كه زنان زياد و مردان كم گردند.»(3)

و شايد اين وضع در اثر افزايش تلفات جانى مردان در اثر برپايى جنگ‏هاى پى در پى و طولانى باشد. بهر حال، آنچه مسلم است در آخرالزمان، زنان حكومت را به دست خواهند گرفت و پس از قرون متمادى، جامعه بشرى از مرد سالارى به سوى زن سالارى سوق داده خواهد شد.

مشاركت زنان در سياست در عصر كنونى‏

پس از جنگ دوم جهانى، زنان توانسته‏اند به تدريج وارد نهادهاى سياسى شوند، كه اين نهادها، اعم از دولتى و غير دولتى مى‏باشد. امروزه در بسيارى از كشورها، نداى حمايت از زنان و تساوى حقوق سياسى، فرهنگى، اجتماعى آنان با مردان بلند است، اما اين كه واقعاً در عمل اين مسأله به چه ميزان انجام مى‏گيرد، مطلب ديگرى است. اما طى كنوانسيون‏ها، اعلاميه‏ها و قطعنامه‏هايى كه از سوى سازمان ملل يا سازمان‏هاى غيردولتى انتشار يافته است، زنان حق دارند در پست‏هاى مهم دولتى و غير دولتى مشغول بكار شوند و در عرصه سياست حضور فعال داشته باشند.

البته از نيمه دوّم قرن بيستم به اين سو، زنان بسيارى در صحنه سياست ظاهر گرديدند و به اشغال كرسى‏هاى مهم دولتى پرداختند كه مهمترين اين پست‏ها رياست جمهورى و نخست وزيرى بوده است.

مطالعه آمارها نشان مى‏دهد كه در يكى دو دهه اخير، زنان در كشورهايى چون انگليس، فرانسه، آمريكا، اسرائيل، ايسلند، فيليپين، ايرلند، تركيه، پاكستان و... نقش‏هاى مهم سياسى داشته‏اند.(4)

و امروز، زنان در كشورهايى چون نروژ، دانمارك و فنلاند حتى در برخى موارد، بيش از 40 درصد مناصب را در اختيار دارند.(5)

هر چند در عصر حاضر، شاهد حضور گسترده زنان در صحنه‏هاى مختلف سياسى و غير سياسى هستيم، ليكن زنان، خود، خواهان حضور فعالتر در پست‏هاى كليدى و مهم دولتى مى‏باشند و به در حاشيه قرار گرفتن خود در قدرت معترضند.

با توجه به بررسى آمارهاى مشاركت سياسى زنان، در آمريكا، زنان بطور معمول حدود 52 درصد رأى دهندگان را شامل مى‏شوند با اين وجود، درصد كمى از كرسى‏هاى كنگره و سنا را در اختيار دارند و در كابينه نيز حضور چندان قابل توجهى ندارند.(6)

در بيشتر كشورهاى در حال توسعه نيز زنان نقش كمترى در سياست دارند، اما آنچه مسلم است، زنان در اكثر كشورها كم و بيش در امر سياست دخالت دارند و در اين حال، اين سؤال مطرح است كه آيا زنان عصر كنونى، همان زنان عصر قريب به ظهورند كه در روايات از آنان ياد شده است، يا خير؟

جواب اين سؤال قدرى مشكل است و اين نشأت گرفته از پيچيدگى‏هاى روابط سياسى و حكومتى مى‏باشد. بنابراين با توجه به ميزان شركت زنان عصر حاضر در عرصه سياست و حكومت، بطور قطع نمى‏توان گفت كه زنان عصر كنونى، همان زنان آخر الزمانند، چرا كه احتمال مى‏رود در آينده، زنان دخالت و تسلط بيشترى در حكومت‏ها داشته باشند، اما به يقين نيز نمى‏توان آنان را زنان آخرالزمان نام ننهاد؛ زيرا زنان در بعضى كشورهاى آمريكايى، اروپايى، آسيايى، سمت‏هاى بالاى سياسى را دارا هستند و در حكومت نقش چشمگيرى دارند.

وضعيت اقتصادى زنان در آخرالزمان‏

يكى از مهمترين مشكلاتى كه بشر در آخرالزمان با آن سخت دست به گريبان است، مسائل و مشكلات اقتصادى است. نابسامانى عظيم اقتصادى در سر تا سر جهان بوقوع مى‏پيوندد و زنان از اين واقعه شوم نه تنها در امان نخواهند ماند، بلكه بيشترين ضربه را خواهند خورد. عمق فاجعه به حدى است كه گروهى مجبور مى‏شوند، براى گريز از قحطى و گرسنگى، زنان و دختران خويش را براى خوراك اندكى معامله نمايند.

امام صادق(عليه‏السلام) در بيان نشانه‏هاى ظهور در اين زمينه مى‏فرمايند:«بعضى از مردان از راه فساد زنان خود ارتزاق مى‏كنند.»(7) علاوه بر اين اعمال قبيح، دنيا شاهد هجوم زنان بسوى كارخانه‏ها، ادارات و صحنه تجارت و بازار خواهد بود و اين به دليل رويكرد ماديگرى در جامعه و ميل به زرق و برق دنيا مى‏باشد.

حضرت على (عليه‏السلام) مى‏فرمايند: «در آخرالزمان، زنان به خاطر حرص به دنيا، در كسب و كار همسران خود شركت مى‏نمايند.»(8) بنابراين زن در آخرالزمان، به موجودى تبديل خواهد شد كه براى به دست آوردن لقمه نانى، تن به هر نوع كارى مى‏دهد و زنانى كه بايد دامان پر مهرشان، جايگاه پرورش انسانيت باشد و در كنار مردانى پاكدامن مايه آرامش باشند، در دام گسترده شهوات حيوانى و منافع اقتصادى مردان ناپاك و سودجو قرار مى‏گيرد و بدين ترتيب واقعه تلخ هبوط نفس انسانى در زنان رقم خواهد خورد.

وضعيت اقتصاد زن در عصر حاضر

امروزه بحث گسترده‏اى كه در تعداد زيادى از كشورهاى توسعه يافته و در حال توسعه مطرح است، «زنانه شدن فقر»(9) مى‏باشد و اين بدان معنى است كه در دنيا اكثر افراد فقير را زنان تشكيل مى‏دهند و به همين دليل، امروزه زنان جهان براى برطرف كردن نيازمندى‏هاى مادى خويش، در زير پرچم شوم تساوى حقوق زن و مرد، كارهاى سنگين مردانه را انجام مى‏دهند يا منحرف گرديده، براى رفع احتياجات مادى، خود را در معرض تعرض مردان ناپاك قرار مى‏دهند.

در آمريكا، طبق برخى آمارهاى موجود، تقريباً در 53% خانواده‏ها زن و مرد هر دو شاغلند و زنان هم دوش مردان در اقتصاد نقش ايفا مى‏كنند.(10) اين در حالى است كه اختلاف درآمد هفتگى زنان و مردان در اين كشور، به گونه‏اى است كه مردان حدود 4/65% و زنان حدود 6/34% از درآمدها را به خود جذب مى‏كنند.(11)

در بسيارى از كشورهاى غربى و در حال توسعه نيز وضع بدين منوال است و نشان از تبعيض در محيط كار بين زن و مرد دارد.

اينك با توجه به وضع تأسف‏بار اقتصادى زنان، در عصر كنونى، آيا مى‏توان آنان را زن آخرالزمان ناميد؟

در جواب بايد گفت: مطابق آنچه در روايات نيز آمده، زنان بسيارى در عصر حاضر، در عرصه اقتصادى مشغول به كارند، و در بسيارى از كشورها به خصوص كشورهاى به اصطلاح متمدن، زنان از راه فساد و فحشا امرار معاش مى‏كنند، اما اين مسأله هنوز فراگير نشده است؛ ليكن اين نكته را هم نبايد از نظر دور داشت كه در هر زمان، احتمال ظهور حضرتش مى‏رود، هر چند برخى از علائم به صورت عمومى صورت نپذيرد. لذا شايد بتوان زنان عصر حاضر را زنان عصر ظهور ناميد.

وضعيت اجتماعى زن در آخرالزمان‏

الف - عدم امنيت براى زنان: از انحرافات خطرناك كه جامعه پيش از ظهور، به آن گرفتار مى‏گردد، بى‏امنيتى خانوادگى و ناموسى است، اين مسأله آنچنان فراگير مى‏شود كه كمتر كسى مى‏تواند يا مى‏خواهد از آن جلوگيرى نمايد.

حضرت على (عليه‏السلام) در اين خصوص مى‏فرمايند: «سفيانى در حالى كه نيزه‏اى در دست دارد، زنى باردار را دستگير مى‏نمايد و به يكى از يارانش مى‏گويد: به او تعدى نما و او سپس شكم زن را مى‏درد و جنينش را بيرون مى‏آورد و هيچكس نمى‏تواند چنين وضعيت هولناكى را تغيير دهد».(12) روايات زيادى در اين زمينه از معصومين (عليهم‏السلام) وارد گرديده است كه حكايت از وضع تأسف بار و فاجعه‏انگيز امنيّتى براى زنان دارد.

ب: هبوط مسائل اخلاقى وانسانى در زنان: جامعه پيش از ظهور، جامعه‏اى مملو از فساد و بى‏بند و بارى‏هاى اخلاقى است، كردارهاى حيوانى گروهى انسان نما، آنچنان فراگير مى‏شود كه حالت عادى به خود مى‏گيرد. رواياتى كه اين وضع اخلاقى پيش از ظهور را بيان نموده‏اند، بسيار زياد است. محمدبن مسلم مى‏گويد: «به امام باقر عرض كردم: قائم شما چه وقت ظهور خواهد كرد؟ امام فرمود: آنگاه كه مردها خود را شبيه زنان نمايند و زن‏ها شبيه مردان شوند، آن گاه كه مردان به مردان اكتفا كنند و زنان به زنان.»(13)

و در حديثى از امام صادق(عليه‏السلام) است كه فرمودند: «در آن زمان، زنان را مى‏بينى كه از بذل خود به كفار هيچ واهمه‏اى ندارند».(14)

آرى جهان به آن مرتبه از سقوط اخلاقى مى‏رسد كه انسانيت برايش جز در اعمال حيوانى معنا پيدا نمى‏كند.

ج: افزايش زنان بى‏سرپرست: در آخرالزمان، وضعيت به گونه‏اى است كه بر اثر جنگ‏هاى پى در پى، تعداد مردان كاهش چشمگيرى مى‏يابد و به همين دليل، زنان زيادى بى‏سرپرست مى‏گردند و به دنبال كسى هستند تا سرپرستى ايشان را به عهده گيرد.

رسول خدا (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايند: «قيامت برپا نمى‏شود، مگر اين كه، براى پنجاه زن يك سرپرست باشد».(15)

و در حديث ديگرى مى‏فرمايند: «زمانى فرا رسد كه پنجاه زن، با يك مرد روبه رو شده، يكى مى‏گويد: اى بنده خدا مرا بخر، و ديگرى مى‏گويد به من پناه ده».(16)

وضعيت اجتماعى زنان در عصر كنونى

در دنياى كنونى، زن در اجتماع از موقعيت خاصى برخوردار است. امروز زنان توانسته‏اند تا حدى توانائى‏هاى خود را در عرصه‏هاى مختلف به اثبات رسانند و به موفقيت‏هاى بسيارى نائل گردند. امّا مطلب مهم اين كه، با وجود ويژگى‏ها و توانائى‏هاى بارز در زنان، هنوز نيز درصد قابل توجهى از آنان، از تبعيض، بى‏امنيتى، بى‏عدالتى‏هاى اجتماعى و... رنج مى‏برند. زنان امروز با نام آزادى و تساوى حقوق زن و مرد در مرداب فساد اخلاقى و جنسى گرفتار شده‏اند. رشد الكليسم در ميان زنان غربى، مبتلا شدن به ايدز و در نتيجه مرگ بر اثر آن، قاچاق زن جهت روسپيگرى، هم‏جنس‏گرايى، سقط جنين، فرزندان نامشروع، متلاشى شدن خانواده‏ها و... ره‏آورد اين تفكر غلط بر جامعه غرب و بعضى كشورهاى در حال توسعه است.

در بسيارى از كشورهاى به اصطلاح متمدن، زنان از طريق خود فروشى امرار معاش مى‏نمايند.(17) در آمريكا سالانه بيش از 900 دختر زير 15 سال، فرزند نامشروع خود را سقط مى‏كنند؛ هر چند در سال‏هاى اخير، اين دختران، ترجيح مى‏دهند فرزند خود را نگه دارند.(18)

بنابراين با مقايسه اخبارى كه در مورد زن آخرالزمان به ما رسيده، و وضعيت كنونى زن از حيث اجتماعى و اخلاقى، بين زن امروز و زن آخر الزمان شباهت بسيارى ديده مى‏شود. اما اين نكته را هم نبايد از نظر دور داشت كه نمى‏توان فساد اخلاقى را براى تمام زنان تعميم داد؛ زيرا در آن زمان، زنان آگاه، عفيف و با ايمانى نيز وجود دارند كه از اوضاع بد آن زمان متأثرند. اما وضع عمومى به شكل ديگرى است.

ادامه دارد...

پى‏نوشت‏ها:

1) نجم الدين طبسى، چشم اندازى از حكومت مهدى (عليه‏السلام)، ص 24.

2) علامه مجلسى، بحار الانوار، ج 52، ص 260 تا 254.

3) احمدبن حنبل، مسند، ج 3، ص 120.

4) مصطفى جنتى عطايى، زنان سياستگر، ص 5.

5) خليل روشندل و رافيك قلى‏پور، سيماى زن در جهان (آمريكا)، ص 85.

6) همان، ص 80.

7) بحار الانوار، ج 52، ص 260 تا 254.

8) شيخ صدوق، اكمال الدين، ج 2، ص 525.

9) سيماى زن در جهان (آمريكا)، ص 67.

10) همان، ص 68.

11) همان، ص 77.

12) مقدسى شافعى سلمى، عقد الدرر، ص 409.

13) همان، اكمال الدين، ج 2، ص 524.

14) بحارالانوار، ج 52، ص 254.

15) همان، مسند، ج 3، ص 120.

16) بحارالانوار، ج 52، ص 250.

17) ابراهيم طاهرى، بررسى مقام زن، ص 48.

18) همان، ص 44.